



## بهره‌گیری از اطلاعات در

### جامعه اطلاعاتی

دکتر فریدون ازاده تفرشی

مشقت به دست طالب آن رسیده است، ایجاب می‌کرد که در نگهداری و صیانت از آنها و شیوه‌های بهره‌مندی همگان، تدابیر ویژه‌ای وضع و تدوین کنند، تا بی‌توجهی عده‌ای، مانع از فیض و بهره‌گیری دیگران نشود.

به همین جهت تعداد کتاب‌هایی که از یک عنوان و از یک نویسنده و مولف اصلی توسط دیگران در عصر مولف یا بعد از آن تهیه و استنساخ می‌گردید، همه آنها به واسطه نوع خط، کتابت، صحافی و کتاب‌آرایی، فردی که این عمل را انجام می‌دهد، افتادگی‌ها و اضافات خواسته یا ناخواسته، حکم یک کتاب واحد و مستقل را دارند که مصححان و محققان حوزه متون در تصحیح این آثار، موظف هستند تا آنجا که امکان دسترسی و تطبیق آنها وجود دارد، از این تلاش و مطالعه کوتاهی نکنند.

#### عصر کتب چاپی و گسترش نشر

اختراع چاپ و گستردگی نشر و ایجاد شرایطی که همگانی شدن آموزش را نوید می‌داد و در دسترس قرار دادن کتاب‌ها، تا اندازه‌ای موجبات استفاده عموم از کتاب را فراهم کرد و بحث بهره‌مندی و امانت کتاب شرایط تازه‌ای پیدا کرد و چاپ و انتشار کتاب‌های علمی و استفاده طالبان علم از آنها موجب رونق کسب و کار و افزایش بهره‌وری به خصوص در حوزه کشاورزی شد و درک استفاده درست از زمین با عملی کردن کشت متناوب برای استفاده موثر از خاک برای تأمین نیازهای اولیه در دوران موج اول، مدیون گسترش نشر است، زیرا عامل تعیین کننده حرکت هر جامعه‌ای از مرحله‌ای به مرحله دیگر، به کارگیری اصل «خردگرایی» یعنی حداکثر تولید با حداقل

ذکر می‌شد که از بهترین کاغذ، جلد و بهترین خطاط‌ها استفاده شود. و چون نسخه‌ها تمام می‌شد، هر یک از نسخه‌ها را در محلی میان محراب و منبر قرار دهند و دعا بخوانند و بعد از اتمام دعا بنویسند که این کتاب برای اهل کدام شهر است و در ایام تولیت چه کسی این اقدام صورت گرفته است. بعد از آن نسخه‌ها را به قضات تبریز عرضه کنند تا صورت آنها نیز ثبت شوند و اگر کسی بخواهد نسخه‌ای را استنساخ یا مطالعه کند باید امانتی را بسپارد» (از کتاب نقد و تصحیح متون، اثر نجیب مایل هروی).  
به طور قطع در چنین مقطعی حفظ و حراست از این دست‌آوردها و مطالعه کتاب‌هایی که با این

اشاره:

همکار محترم جناب آقای شکراللهی در شماره پیشین همین نشریه در مقاله‌ای با عنوان «شمه‌ای از امانت دادن و ندادن کتاب» به مطالبی پرداخته‌اند که به لحاظ فرهنگی و مقطعی خاص از تاریخ، حاوی مطالب سودمندی است که علاقمندان با مطالعه آن می‌توانند در جریان چگونگی شیوه‌های امانت و عدم امانت کتاب از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گیرند و به حرمت و قداست کتاب نزد علما و طالبان علم پی ببرند.

نوشته زیر شمه‌ای از وضعیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی در جامعه اطلاعاتی است که قطعاً بحث امانت و بهره‌مندی از منابع، شکل و قوانین دیگری خواهد داشت که می‌تواند شروعی برای این بحث در پیام بهارستان باشد.

مقدمه:

در مقطعی از تاریخ کشورمان و سایر کشورها، و به صورت عمده قبل از اختراع چاپ (اواسط قرن ۱۵ میلادی) تهیه مطالب کتاب و استنساخ آنها امری دشوار بود که این امر در قلمرو جغرافیای فرهنگی و علمی حوزه تمدن اسلامی و ایرانی به خوبی واضح و آشکار است. که چگونه برای تهیه مواد و ساخت مصالح اولیه کتابت از جمله کاغذ و مرکب چه تلاش‌ها و همت‌ها صورت می‌گرفت تا کاغذهای دست‌ساز در اختیار دانشمندان و کاتبان و اهل ذوق قرار گیرد و آنها نیز به عنوان چاپخانه‌های آن روز در استنساخ شبانه‌روزی آنها، چه خون دل‌ها خوردند و پیک‌ها برای رساندن آنها به اهل علم در هر بلاد دور و نزدیک چه راه‌ها طی کردند و چه خطر‌ها به جان خریدند. «چنانچه در سده هفتم ه. ق.، رشیدالدین فضل‌... همدانی صاحب کتاب جامع التواریخ در آثار وقفی خود در رشیدیه تبریز، دارالمصاحف و کانونی برای کتابت و استنساخ دایر کرد تا این آثار به دیگر بلاد اسلامی و مراکز علمی ارسال شود. برنامه‌های یکساله استنساخ و حتی کتاب‌هایی که باید استنساخ و ارسال شوند، اجرت استنساخ کاتبان، ابزار، کاغذ و قلم از محل بودجه موقوفات مشخص می‌شد و



هزینه می‌باشد که این امر جز با گسترش علم و عمومیت بخشیدن آگاهی و آموزش همگانی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

با ورود به عصر صنعت به عنوان موج دوم، مرحله پیشرفت‌های جامعه صنعتی از طریق کاربرد بیشتر از تکنیک‌ها و روش‌هایی است که در سایه خلاقیت و نوآوری پدیدار می‌شود که به نوعی باز، گسترش بستر استفاده همگان از اطلاعات است که مناسبات و تعاملات اجتماعی و فرهنگی با توجه به نیازهای این عصر بهبود پیدا می‌کند و استفاده از کتاب دیگر تابع مقررات سخت و همراه با بخل و تنگ‌نظری‌های قرون وسطا و عصر کشاورزی نیست. زیرا در این عصر نیز برای افزایش بهره‌وری، اطلاعات نسبت به عصر کشاورزی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

با ورود به عصر اطلاعات که به عنوان موج سوم از آن یاد می‌کنند، روزگار گسترش فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تمامی سطوح و ابعاد زندگی بشر است. رشد فزاینده فن‌آوری‌ها، گذشته از تحولی که در ساختار ارتباطی حیات بشری ایجاد کرده است، تغییرات شگرفی را در فرهنگ و رفتار ملت‌ها، نوع و شکل سازمان‌ها و در نهایت ماهیت کار و چگونگی اشتغال و خدمات در سازمان‌ها از جمله کتابخانه‌ها را موجب شده است.

این تغییرات به گونه‌ای است که اصطلاحاتی چون کار از دور، کنترل از دور، دورآموزی و ده‌ها فعالیت و اموری که از دور امکان‌پذیر خواهد شد، همگی دست‌آورد ظهور فن‌آوری‌هایی است که با ایجاد شبکه‌های گسترده کامپیوتری و دیجیتالی فراهم شده است که این روند مدیون پدیده‌ای به نام اینترنت است که در کمتر از چهار دهه از عمر خود، دست‌آوردهای شگرفی را برای بشریت در عرصه کار و خدمت به ارمغان آورده است و این روند آن‌چنان با سرعت سرسام‌آوری به پیش می‌رود که بسیاری از فعالیت‌ها، رفتارها و تعاملات اجتماعی و اقتصادی در آینده از شکل فعلی کاملاً خارج شده و صورت جدیدی به خود می‌گیرد.

آنچه که امروز شاهد آن هستیم، زمانی در داستان‌های علمی و تخیلی مطرح می‌شد، ولی با مواجهه واقعیت‌های این عصر و استفاده از فن‌آوری‌های جدید، همه آنها را در زندگی شخصی

و اجتماعی خود به سهولت لمس و احساس می‌کنیم و بدون آنها امکان بسیاری از فعالیت‌ها از ما سلب می‌شود و اگر بخواهند روزی فردی یا گروهی را به جرم سرقت اطلاعات، نفوذ غیرقانونی در شبکه‌های اطلاعاتی و یا هر عمل غیرقانونی دیگر (اگر امکان تعقیب فیزیکی آنها باشد) تنبیه کنند، کافی است تنها وسیله ارتباطی او را، که همان کامپیوتر است، از او دریغ کنند.

باور این که روزی فرا رسد که افراد از طریق پست الکترونیکی اقدام به ارسال نامه‌های خود کنند، مشکل به نظر می‌رسید و بحث‌های گروهی، بدون حضور فیزیکی استاد و دانشجو، به عنوان یک فعالیت روزمره علمی و فرهنگی، شاید غیرقابل تصور بود ولی امروزه این امور و بسیاری دیگر، امری طبیعی تلقی می‌شوند.

گشت و گذار و کاوش اطلاعات در میلیون‌ها صفحه وب و بازیابی آنها توسط موتورهای کاوش، دسترسی به اطلاعات را در هر نقطه و مکانی تسهیل کرده است. به همین جهت مفهوم امانت، مدت بهره‌مندی و استفاده از یک کتاب، جریمه دیرکرد و دهها عامل دیگر، در محدود کردن حق استفاده از اطلاعات، باید تعریف دوباره شوند. شاید «اشتراک دانش» و «سهیم شدن» و «سهیم کردن» دیگران از دست‌آوردهای بشری در مفهوم «دسترسی آزاد به اطلاعات»، در عصر شبکه‌ها و کتابخانه‌های الکترونیکی و مجازی، تعریف روشنی باشد. گسترش کتابخانه‌های مجازی ۷، بدون حضور فیزیکی متقاضیان و استفاده از منابع به صورت تمام‌متن پیوسته به محققان این امکان را می‌دهد که ساعت‌ها وقت خود را بدون محدودیت و در تنگ‌نظری‌های حاصل از ارتباطات فیزیکی و در

تمامی طول شبانه‌روز صرف تحقیق و مطالعه کنند و نتایج کار خود را در اختیار دیگران قرار دهند.

کتابخانه‌های «کو استیا» و «فولگر» که این دو از بزرگترین کتابخانه‌های مجازی و پیوسته در ایالات متحده آمریکا هستند و دهها کتابخانه مجازی دیگر، امکان بهره‌گیری تمام‌متن اطلاعات را در طول شبانه‌روز و با برخورداری از محیط کار آماده در اختیار محققان سراسر دنیا قرار می‌دهند.<sup>۸</sup>

کمبود فضا و انفجار اطلاعات که پیامد آن چاپ و انتشار بیش از حد اطلاعات در فرمت‌های چاپی و الکترونیکی است، در آینده‌ای نه چندان دور، تحقق کتابخانه‌های الکترونیکی و نشر الکترونیکی و بدون کاغذ را نوید می‌دهد و شکل تکامل یافته آن در موج چهارم که همان کتابخانه‌های مجازی است که به جای کتابخانه‌های سنتی و فرایندهای کهنه و فرسوده حاکم بر این کتابخانه‌ها در عصر اطلاعات نیازهای متقاضیان را برآورده می‌کنند. اینترنت امکانات و ابزارهای متعددی را به منظور ارائه خدمات در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد تا همه افراد به عنوان عضو شبکه جهانی از اطلاعات و دست‌آوردهای یکدیگر مطلع شوند.

با افزایش میلیون‌ها صفحه وب در روز، گسترش نشر الکترونیکی و تدوین و تصویب قوانین مرتبط با شبکه جهانی اینترنت در چگونگی استفاده و بهره‌مندی، سرقت اطلاعات و سایر موارد مربوط به جرائم اینترنتی و تربیت قضاتی که پاسخگوی این نیازها باشند، بیانگر ورود به عصری هستیم که تعاملات و رفتارهای اجتماعی شهروندان و سازمان‌ها با اشکال سنتی آنها فرق اساسی خواهند داشت.

در این عصر، فرایند کسب و کار الکترونیک،



همه حول «مشتري محوري»<sup>۱۲</sup> است. زیرا به ساده‌ترین روش‌ها خواسته‌های مشتري دریافت و نسبت آن پاسخ داده می‌شود. در این فرایند که ابعاد بسیار گسترده‌ای خواهد داشت، بدون شک، انسان باید نقش دیگری را ایفا کند و برای اجرای این نقش جدید باید از قابلیت‌های ویژه و متفاوتی نسبت به جامعه سنتی برخوردار باشد، جامعه‌ای که دیگر فرایندها و رویه‌های معمول و فرسوده پاسخگوی نیازهای این عصر نخواهد بود. این قابلیت‌ها به شدت تحت تأثیر روند تحولات فن‌آوریهای اطلاعاتی و ارتباطی است. به عبارت دیگر به سمت «جامعه مجازی»<sup>۱۳</sup> پیش می‌رویم که به جای ارتباطات سنتی، شبکه‌ای از ارتباطات الکترونیک قواعد آن را شکل می‌دهند و فرایندها و روش‌ها براساس این نوع تفکر تعریف می‌شوند. در پایان به نکته مهمی که علت این نوشته بود مجدداً اشاره می‌کنم.

وظیفه هر کشوری در عصر اطلاعات، حفظ و نگهداری و اشاعه اطلاعات با استفاده از فن‌آوری‌های این عصر است که ضمن حفاظت و نگهداری از پیشینه فرهنگی و دست‌آوردهای دانشمندان، امکان استفاده از اطلاعات را برای همگان فراهم می‌کند. لذا صرف نگهداری و حفاظت از آنها در آرشیوهای ملی و کتابخانه‌ها، این مراکز را به عنوان زندان‌های اندیشه‌های بشری قلمداد خواهد کرد. باید بهر نحو و با هر وسیله‌ای که امروزه رایج‌ترین آنها الکترونیکی کردن اطلاعات و ایجاد کتابخانه‌های مجازی است، سهم خود را در بازار جهانی اطلاعات نشان دهیم و تنها آرشیو کردن و نگهداری اطلاعات به این امید که نسل‌های بعدی کشورمان از تلاش‌های صورت گرفته پیشینیان باخبر شوند، در عصر اطلاعات، چندان مقبول و منطقی به نظر نمی‌رسد.

منابعی که در قالب و شکل چاپی در آرشیوهای کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند و امکان دسترسی همگان به لحاظ زمانی و جغرافیایی بسیار محدود و امانت آنها به شهروندان خودی نیز غیرممکن است و یا تعریفی که از عصر اطلاعات می‌شود در تضاد است و اگر غیر از این فکر کنیم، به نوعی پارادوکس مبتلا شده‌ایم.

از طرفی برای حفظ و نگهداری انتشارات جاری کشور با فرمت چاپی آن، راهی که هم‌اکنون در بعضی از کتابخانه‌ها (کتابخانه ملی از این موضوع مستثنی می‌باشد) از جمله کتابخانه مجلس در پیش گرفته‌ایم، منطقی به نظر نمی‌رسد، کتاب‌هایی که به مراجعان امانت داده نمی‌شوند، در اثر استفاده بیش از حد و نادرست مراجعان و تهیه تصاویرهای مکرر، وضع چندان خوبی نخواهند داشت از طرفی هزینه کاغذ، نگهداری سیستم‌ها و نیروی انسانی که صرف این کار تکراری می‌شود و عدم رعایت کپی‌رایت و احترام به حقوق مولف و پدیدآور، که خود یک عمل غیر اخلاقی و غیر حرفه‌ای است و روزانه از هزاران صفحه مطلب بدون اجازه مولف و پدیدآور کپی تهیه می‌شود که پیامدهای حقوقی دارد (لازم به ذکر است به طور متوسط روزانه ۶۵۰ صفحه کپی از کتاب تهیه می‌شود که در ماه معادل ۱۷۰۰۰ صفحه و ماهیانه در حدود ۲۰۰/۰۰۰ صفحه می‌شود که این تعداد معادل ۴۰۰ بسته ۵۰۰ برگی است که هزینه سالانه این تعداد مصرف ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که باید هزینه نیروی انسانی و استهلاک سیستم را هم بر این مقدار اضافه کرد.) که نوعی خسارت معنوی و مادی محسوب می‌شود. و با توجه به کیفیت نه چندان مناسب کاغذها و شیوه‌های صحافی و استفاده از مواد شیمیایی زیان‌آور، این کتاب‌ها به سرعت فرسوده خواهند شد و اگر امکان چاپ مجدد

آنها فراهم نشود، صحافی و ترمیم این منابع تنها راه نجات آنها محسوب می‌شود که آن هم عمر مفید خود را دارد و بحث هزینه. سودمندی آنها. و کتاب‌هایی که به هر دلیل ممکن از دسترس علاقمندان دور بمانند و هیئت سالم‌تری دارند، دردی را دوا نخواهند کرد و چون اندیشه‌ای محبوس و دربند می‌مانند که بعد از مدتی با شکنجه‌ها و آزارهای عوامل فیزیکی و زیان‌آور محیط خود و بدون روشنگری، فرسوده خواهند شد.

هرچند سایر عوامل طبیعی و رخدادهای سیاسی، جنگ و نزاع‌های فرقه‌ای نیز در طول تاریخ از عوامل تخریب منابع بوده‌اند و وظیفه ما را در حفظ و نگهداری آنها و هم‌چنین تهیه شکل الکترونیکی از آنها گوشزد می‌کند، «حمله مغول به ایران، انتقال نسخه‌ها به شبه قاره هند، حمله افغان‌ها به ایران و اصفهان به سال ۱۷۲۴م. چنانچه محمود افغان در سال ۱۷۲۵م. دو کاروان حاوی نقدینه و کتاب‌های خطی را به قندهار برد و در اثر تسلط نادر بر افغان، دوباره آنها را برگرداند. بعد از حمله مغول و آرامش نسبی توسط دانشمندانی چون رشیدالدین فضل‌... دوباره استتساخ آثار شروع شد و در کتابخانه‌های خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه و دارالکتب رشیدالدین فضل‌... در تبریز هزاران نسخه معتبر یافت می‌شد ولی با حمله تیمور به شهرهای خراسان، فارس و تبریز و دیگر بلاد ایران، منجر به هدم و نابودی نسخ خطی شد. چنانچه از جمع نسخه‌های خطی کتابخانه رشیدالدین که بالغ بر شصت هزار جلد بود، در این ایام پراکنده شد. عصبیت‌های فرقه‌ای و مذهبی بین ازبکان و عثمانیان هزاران نسخه به دست اهل سنت و شیعه سوزانیده شد و پس از ختم این ماجرا و توقف تعصبات فرقه‌ای آفت دیگری گریبانگیر ما شد و آن انتقال و جابه‌جایی نسخه‌ها از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر و این ماجرا در اشکال مختلف هنوز ادامه دارد. چنانچه چشم طمع غرب علاوه بر ثروت مادی به سرمایه‌های معنوی و میراث فرهنگی این کشور و کشورهای مشابه دوخته شده است و آنها را در زمره اشیاء عتیقه و گران‌قیمت به حساب می‌آورند و از دیرزمانی توسط ارتشیان و جاسوسان به غارت این اموال مشغول‌اند و خود ما نیز ناخواسته در انتقال آنها مساعدت



می‌کنیم.» (کتاب نقد و تصحیح متون نجیب مایل هروی).

در مورد نسخه‌های خطی، حفظ و نگهداری به این مفهوم که هرچه دیگران از محتوا و کیفیت این منابع کمتر بدانند، خدمت بیشتری به آنها کرده‌ایم، خود خیانتی بزرگ و ناآگاهانه آتش به خرمن اندیشه زدن است و این راه، علاج کار نیست.

تنها راه حفظ اندیشه، انتشار آن است. لذا شایسته است هرچه سریع‌تر و در مدت زمانی کوتاه و با میل و رغبت و با بهره‌گیری از آخرین فن‌آوری‌های رایج عصر، ضمن حفظ و نگهداری آنها دسترسی همگان را به دنیای اندیشه باز کنیم و محققان داخلی و خارجی را تشویق به مطالعه و تصحیح این متون کنیم تا دنیا و بشریت بدانند که ماحصل تلاش اندیشمندان جهان اسلام و ایران چه بوده و خود بیش از هرکس دیگر در ترویج آن تلاش کنیم و گرنه محبوس کردن آنها چون کتاب‌های چاپی دردی از دردها را دوا نخواهد کرد و پیش آهنگی ما را در گسترش علم نادیده خواهد گرفت.

شاید در این خصوص مطلب استاد ایرج افشار با عنوان: «هشدار نسخه‌دوستانه مجتبی مینوی برای همه گنجینه‌داران و کتابداران» جای تامل باشد.

«... تصور کنید که اگر اجازه عکس‌برداری از چند هزار نسخه خطی که از کشورهای مختلف گرفته و به کتابخانه‌های تحقیقاتی ایران وارد شده است (مخصوصاً کتابخانه مرکزی دانشگاه) و بالمآل توسط اندیشمندان ایرانی به صورت کتاب و رساله دانشگاهی تصحیح و عرضه شده است، به ما داده نمی‌شد، چه کتاب‌ها و متون مهم که از دسترس عموم مردم ایران دور بود و شماها تاریخ بی‌هق، و التوسل الی التوسل، عتبه الکتبه و شد الازار و امثال آنها را نمی‌شناختید»<sup>۱۵</sup>

اگر زمانی در شرق و حوزه تمدن اسلامی و ایرانی، نفاست، نوع کاغذ، نوع خط، استنساخ، صحافی و جلدسازی و کتاب‌آرایی بیانگر رونق علم و صنایع وابسته به آن بوده است، بیش از هرکس خود ما، باید از طریق تحقیق و انتشار این آثار مروج آنها باشیم.

«... مالک کتاب (به فرض اینکه ملک شخصی باشد) مالک جلد و کاغذ آن است نه مالک مطلب آن. مولف، کتاب و پیرای آن نوشته است که دیگران

بخوانند و اخلاف از گفته و نوشته اسلاف مطلع گردند و برای آن ننوشته است که در محله کاغذفروشان محبوس بمانند و بیوسند و کتب‌خانه‌ای که از مندرجات نسخه‌های محفوظ در آن، طالبین استفاده نتوانند کرد، با انبوهی از خشت و سنگ تفاوت ندارد. هرکس که از نشر کتابی مانع شود مرتکب قتل مولف آن شده است و به کلیه نسل‌ها و اجیال بشر از امروز تا آخر دنیا زیانی جبران‌ناپذیر وارد آورده است. باید نسخه‌ها را به دست علاقمندان و اهل مطالعه داد تا مقابله و تصحیح کنند و منتشر سازند و از انحصار اشخاص بخیل و مناع للخیر معتد ائیم بیرون آورند»<sup>۱۶</sup>.

با همه «این تمهیدات و راهکارها» که اگر به انجام رسد و جمیع عوامل هم صدا شوند، تازه موفق به ترویج و انتشار آنها شده‌ایم، می‌ماند تحقیق و مطالعه در مورد آنها که خود مقوله‌ای نفس‌گیر و نیازمند دانشورانی است که با عشق و علاقه و احساس مسئولیت جهانی مبادرت به این مهم نمایند تا در فرصت باقی مانده این اندیشه‌های زندانی را از بندرها کنند.

اما روزی می‌رسد که مراجعان و نسل‌های جامعه اطلاعاتی از آرشیوها به عنوان اشیاء موزه‌ای یاد می‌کنند و راهنماهای الکترونیکی موزه‌ها و یا سیر و سفر در دنیای مجازی آرشیوها که شتابان در راهند، در مورد کیفیت، تاریخ و زمان انتشار آنها برای این نسل به شیوه و زبان عصر اطلاعات سخن خواهند گفت. دیگر بحث‌های دولتمردان عصر

اطلاعات به واسطه از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و سیاسی به گفتمان اعصار گذشته شبیه نخواهد بود و منازعات ایدئولوژیک به خاطر احترام به حقوق افراد از صورت فعلی خارج خواهد شد و دیگر کتاب‌های آرشیوی به عنوان اطلاعات گذشته‌نگر تلقی می‌شوند و سرعت نوآوری و خلاقیت در پاسخ به نیازهای مادی و معنوی بشر از چنان سرعتی برخوردار می‌شود که از دست دادن فرصت چندان توجیه اقتصادی و اطلاعاتی نخواهد داشت.

و دیگر مفهوم امانت، جریمه دیرکرد، کتاب‌های زنجیری و سایر عوامل محدود کننده در دنیای مجازی و کتابخانه‌های مجازی مفهوم خود را از دست می‌دهند و جریان دسترسی آزاد به اطلاعات جایگزین مفاهیم سنتی و فرایندهای سنتی خواهد

شد. اسناد به جا مانده در آرشیوها و مراکز اسناد که حاوی اطلاعاتی در مورد آیین‌نامه‌های امانت و دستورالعمل‌های استفاده از منابع است، در ذهن تحلیل‌گر نسل جامعه اطلاعاتی بیشتر به داستان‌های علمی و تخیلی شبیه خواهد بود و به تعبیری ملموس به گفتمان اصحاب کهف در هنگام ورود به شهر که می‌خواهند با سکه‌های قدیمی و عهد دقیانوسی خواستار خرید متاع روزانه هستند و نگاه‌های مات و مبهوت و تعجب برانگیز این دو عصر.

اما برای ورود به این شرایط باید از آمادگی لازم برخوردار بود، در غیر این صورت چالش جدی قرن حاضر دیگر موضوع قدرت نظامی، شعارهای مردم فریب و تسلیحات جنگی نخواهند بود بلکه «شکاف دیجیتالی»<sup>۱۷</sup> و اطلاعاتی و دسترسی آزاد به اطلاعات موضوع مورد مناقشه کشورهاست و عقب‌ماندگی و توسعه یافتگی بستگی تام و تمام به میزان برخورداری شهروندان از اطلاعات و شاغلان وابسته به اطلاعات خواهد داشت.

پس بیایید به قول نیچه، «خانه‌های خود را در پای کوه‌های آتشفشان بنا کنیم.» فرار از واقعیت‌ها و نادیده گرفتن اصل قضیه و پاک کردن صورت مسئله، به مشکلات موجود می‌افزاید و فقط مانعی بزرگ قلمداد می‌شوند و حرکت ما را به سوی جامعه اطلاعاتی به تعویق می‌اندازد که برای جبران اشتباهات گذشته باید هزینه‌های بیشتری را بپردازیم.

\* شمعی از امانت دادن و ندان کتاب. پیام بهارستان، ش ۳۶.

1. Telework
2. Telecontrol
3. Teleeducation
4. Search engines
5. Knowledge sharing
6. Freeaccess information
7. Virtual library
8. Fulltext
9. Online
10. Questia library
11. Fogler library

۱۲. برای اطلاعات بیشتر به منابع زیر رجوع کنید:

پیام بهارستان، ش ۳۵ صفحه ۱۳، ۱۰

کتاب هفته ش ۱۷۳، ۸۳/۱/۲۹، صفحه ۲۲

13. Customer oriented

14. Virtual society

۱۵. مجله بخارا، ش ۳۱ (مرداد، شهریور ۱۳۸۲): ۶۶۶۴

۱۶. همان

17. Information Division

